



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

مصاحبه پژوهشی؛

ضرورت تشکیل زنجیره تولید کشاورزی فراسرزمینی (در راستای تامین ذرت و دانه‌های روغنی کشور)



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: علی قنبری شیرسوار

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- ۲ *نکات برجسته
- ۲ *مقدمه و طرح مسئله
- ۳ *ضرورت و اهمیت امنیت غذایی و کشت فراسرزمینی
- ۴ *وضعیت ذرت دانه ای و دانه های روغنی کشور
- ۴ *اقدامات انجام شده در زمینه کشت فراسرزمینی
- ۵ *تشکیل زنجیره تولید کشت فراسرزمینی
- ۸ *جمع بندی



*** نکات برجسته**

- ❖ «امنیت غذایی» یکی از وجوه مهم امنیت ملی محسوب می‌شود که ابعاد کمی و کیفی آن، امنیت ملی را در هر کشور تعیین می‌کند.
- ❖ یکی از راهبردهایی که برخی از کشورها در زمینه تأمین امنیت غذایی اتخاذ کرده‌اند، بهره‌گیری از منابع تولید و توسعه کشاورزی در کشورهایی است که دارای منابع کافی و ارزان برای تولید می‌باشد، که این راهبرد در ایران تحت عنوان «کشت فراسرزمینی» یا به زبانی ساده «کشاورزی در کشورهای دیگر» شناخته می‌شود.
- ❖ در کشور ذرت دانه‌ای و دانه‌های روغنی از محصولاتی هستند که بخش زیادی از میزان نیاز سالیانه آنها از محل واردات تأمین می‌شود و وابستگی قابل توجهی در این زمینه وجود دارد.
- ❖ با توجه به جدید بودن فعالیت کشت فراسرزمینی، در بُعد فرامرزی اقدامات مختلفی طی چند سال اخیر انجام شده است و تا کنون حدود ۴۳۰ هزار هکتار اراضی کشورهای هدف به صورت قراردادهای اجاره دراز مدت یا ملکی تحت کشت رفته است.
- ❖ تأمین نقدینگی و ارائه سازوکار مناسب اجرایی جهت خرید و انتقال محصولات تولید شده کشت فراسرزمینی گام مهمی برای توسعه کشت فراسرزمینی به ویژه برای محصولات مورد نیاز کشور از جمله ذرت و دانه‌های روغنی است.
- ❖ با تشکیل زنجیره کشت فراسرزمینی و برقراری تولید قراردادی محصولات بین شرکت‌های خصوصی توانمند متقاضی کشت فراسرزمینی از یک طرف و تجار، انجمن‌های صنفی کارخانجات، اتحادیه‌ها و تشکل‌های مرتبط از طرف دیگر، محصول تولیدی کشت فراسرزمینی توسط نهادهای ذکر شده خریداری و به داخل کشور منتقل و به صنایع و واحدهای تولیدی یا فرآوری مربوطه تحویل می‌شود.

*** مقدمه و طرح مسئله**

یکی از راهبردهایی که برخی از کشورها در زمینه تأمین امنیت غذایی اتخاذ کرده‌اند، بهره‌گیری از منابع تولید و توسعه کشاورزی در کشورهایی است که دارای منابع کافی و ارزان برای تولید می‌باشد، که این راهبرد تحت عنوان «کشت فراسرزمینی» یا به زبانی ساده «کشاورزی در کشورهای دیگر» شناخته می‌شود. اهداف کشاورزی فراسرزمینی از جانب کشورها و شرکت‌های حقیقی و حقوقی متفاوت است. این اهداف می‌تواند شامل تأمین بخشی از امنیت غذایی کشور سرمایه‌گذار، تأمین انرژی از طریق تولید سوخت‌های زیستی، تولید در کشور هدف به منظور صادرات محصولات کشاورزی یا ترکیبی از موارد فوق است. مزایای متعددی برای کشت فراسرزمینی مطرح شده است که در این بین مواردی مانند تأمین بخشی از امنیت غذایی کشور و ایجاد اطمینان از تأمین نیاز کشور توسط سرمایه‌گذاران داخلی، استفاده از منابع فراسرزمینی (آب و خاک و ...) و امکان برنامه‌ریزی برای حفظ و احیای منابع پایه تولید کشور، وجود زمین‌های مستعد و مناسب برای فعالیت اقتصادی و سودآور توسط بخش خصوصی و فعالان اقتصادی، وجود بازار مطمئن و مناسب برای سرمایه‌گذاران کشاورزی فراسرزمینی، فراهم آمدن بازار مناسب برای صدور نهادهای تولید از قبیل ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، پمپ‌های آب و ... و از همه مهمتر صدور خدمات فنی و مهندسی کشاورزی، ایجاد فضای مناسب برای به

کارگیری فارغ‌التحصیلان بخش کشاورزی، کسب مهارت و تجربه فعالان بخش خصوصی با حضور پایدار در عرصه جهانی و رقابت با تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و عرضه‌کنندگان خدمات فنی و مهندسی کشاورزی سایر کشورها و تبادل اطلاعات علمی، فنی و اجرایی با سایر رقبا در کشورهای هدف و انتقال تجربیات به داخل کشور از جمله مزیت‌های شایان توجه کشت فراسرزمینی محسوب می‌شود.

در همین راستا با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور و در سال جهش تولید، برای بررسی و تحلیل بیشتر مسئله کشت فراسرزمینی، مصاحبه‌ای با آقای دکتر اسماعیل نصرافهانی، عضو هیئت علمی موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی^۱ انجام شده که مهمترین بخش‌های آن در این پژوهش ارائه می‌شود.

*** ضرورت و اهمیت امنیت غذایی و کشت فراسرزمینی**

تأمین «امنیت ملی» در زمره اصلی‌ترین اهداف کلان حاکمیت‌های سیاسی محسوب می‌شود. امنیت ملی شامل قلمروهای مختلفی شامل امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی، نظامی و تکنولوژیکی می‌باشد و در این بین «امنیت غذایی» یکی از وجوه مهم امنیت ملی محسوب می‌شود که ابعاد کمی و کیفی آن، امنیت ملی را در هر کشور تعیین می‌کند. به عبارت دیگر سطح بهینه امنیت ملی، مستلزم تدارک سطح بهینه امنیت غذایی می‌باشد. در مقابل ناامنی غذایی از جمله عواملی است که می‌تواند ارزش‌های حیاتی و در نتیجه امنیت ملی یک نظام سیاسی - اجتماعی را به مخاطره بیندازد.

افزایش روزافزون جمعیت جهانی، محدودیت منابع کشاورزی به ویژه آب و خاک، تغییرات اقلیمی مخرب از یک سو و ازدیاد تقاضای جهانی برای محصولات کشاورزی و مواد غذایی از دیگر سو باعث شده که دستیابی کشورها به امنیت غذایی پایدار در قرن حاضر به عنوان یکی از اهداف کلان کشورها تلقی شده و در سرلوحه برنامه‌های آنها قرار گرفته شود.

در زمینه تامین و ارتقای امنیت غذایی، کشورها متناسب با ظرفیت و پتانسیل‌های سرزمینی و روابط خارجی خود با سایر کشورها راهبردهای مختلفی را اتخاذ می‌کنند. به عبارت دیگر کشورها ممکن است تلاش برای خودکفایی در محصولات کشاورزی و یا ترکیبی از تولیدات داخل و واردات مواد غذایی را به عنوان سیاست تامین امنیت غذایی خود تعیین کنند. لذا برخی کشورها تولید کافی غذا از محل منابع داخلی را شرط اولیه تامین امنیت غذایی و برخی دیگر گسترش و استحکام روابط تجاری را شرط پایداری امنیت غذایی خود می‌دانند. اگر چه به دلیل شرایط اقلیمی و قابلیت‌های بهره‌برداری از منابع، معدود کشوری را می‌توان یافت که نسبت به تمامی نیازهای مصرفی خود به خودکفایی رسیده یا عادات غذایی خود را دقیقاً با امکانات تولیدی منطبق کرده باشد.

راهبرد دیگری که برخی کشورها در زمینه تامین امنیت غذایی اتخاذ کرده اند، بهره‌گیری از منابع تولید و توسعه کشاورزی در کشورهایی است که دارای منابع کافی و ارزان برای تولید می‌باشد. این راهبرد که در ایران بیشتر تحت عنوان کشت فراسرزمینی شناخته می‌شود با اهداف مختلفی توسط کشورها و شرکت‌های حقیقی و حقوقی دنبال می‌شود. اهداف سرمایه‌گذاری در کشاورزی فراسرزمینی از جانب سرمایه‌گذاران متفاوت و شامل تامین بخشی از امنیت غذایی، تامین انرژی (تولید سوخت‌های زیستی)، تولید به منظور صادرات و یا ترکیبی از موارد فوق است.

تکیه بر تولید از منابع داخلی از اهداف و سیاست‌های کلی بخش کشاورزی کشور ما می‌باشد و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در اکثر برنامه‌های توسعه بر خودکفایی محصولات اساسی کشور تاکید داشته‌اند، اما به دلایل مختلف از جمله شرایط

^۱ - این مصاحبه در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ انجام شده است.

نامساعد اقلیمی، محدودیت‌های منابع آب و خاک، عدم توجه به سرمایه‌گذاری و حمایت لازم از بخش کشاورزی، عدم سازوکار هدایت الگوی مناسب کشت، میزان تولیدات محصولات اساسی کشور در سال‌های مختلف دارای نوسانات زیادی بوده و برخی از محصولات اساسی کشاورزی از میزان واردات بالایی برخوردار بوده‌اند.

*** وضعیت ذرت دانه‌ای و دانه‌های روغنی کشور**

ذرت دانه‌ای و دانه‌های روغنی از محصولاتی هستند که بخش زیادی از میزان نیاز سالیانه آنها از محل واردات تامین می‌شود و وابستگی قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. بررسی وضعیت میزان واردات ذرت دانه‌ای طی سال‌های ۹۷-۱۳۸۳ نشان می‌دهد که به‌طور میانگین سالیانه ۴۵۶۸ هزار تن ذرت وارد کشور شده است، این در حالی است که میزان واردات ذرت دانه‌ای در سال ۱۳۹۷ حدود ۸۹۹۰ هزار تن بوده است. تراز برنامه تولید ذرت دانه‌ای و برآورد میزان نیاز خوراک دام و طیور به این محصول در سال ۱۴۰۴ حاکی از آن است که در سال ۱۴۰۴ در صورت تحقق برنامه تولید پیش‌بینی شده ذرت دانه‌ای، میزان واردات جهت تامین کسری مورد نیاز صنعت طیور در این سال به ۶۲۶۰ هزار تن بالغ خواهد شد.

بررسی وضعیت تولید دانه‌های روغنی طی سال‌های ۹۷-۱۳۸۳ حاکی از آن است که تولید دانه‌های روغنی از ۴۰۶ هزار تن در سال ۱۳۸۳ به ۴۶۴ هزار تن در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است که مبین متوسط نرخ رشد سالیانه ۱ درصد می‌باشد. بر اساس اهداف پروژه «افزایش ضریب خوداتکایی دانه‌های روغنی» در برنامه اقتصاد مقاومتی تولید دانه‌های روغنی از ۳۶۶ هزار تن در سال ۱۳۹۵ به ۲۵۳۶ هزار تن در افق ۱۴۰۴ خواهد رسید. در صورت تحقق این برنامه میزان تولید روغن نباتی از ۱۱۰ هزار تن در سال ۱۳۹۵ به ۸۶۱٫۷ هزار تن در سال ۱۴۰۴ افزایش می‌یابد و به این ترتیب درصد خوداتکایی در روغن نباتی از ۷/۵ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۵۰/۵ درصد در سال ۱۴۰۴ افزایش می‌یابد. با فرض تحقق ۱۰۰ درصد برنامه پیشنهادی نیاز به تامین ۴۹/۵ درصد روغن از محل واردات دانه‌های روغنی و یا روغن خام وجود دارد که رقم قابل توجهی است.

*** اقدامات انجام شده در زمینه کشت فراسرزیمینی**

توسعه کشت فراسرزیمینی با تصویب آیین‌نامه کشت فراسرزیمینی توسط هیئت وزیران به طور رسمی در دستور کار دولت جمهوری اسلامی ایران، از جمله وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، امور خارجه، امور اقتصادی و دارایی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گرفت، اگر چه که اقدامات اولیه آن شامل مطالعات^۱، بسترسازی‌ها و فعالیت‌های مقدماتی توسط وزارت جهاد کشاورزی از ابتدای سال ۱۳۹۳ آغاز شده بود که نهایتاً برای اجرای مناسب‌تر کشت فراسرزیمینی آیین‌نامه کشت فراسرزیمینی در هیئت محترم وزیران تصویب شد.

فعالیت‌های انجام شده وزارت جهاد کشاورزی در حوزه کشت فراسرزیمینی عمدتاً مرتبط با سازماندهی فعالان کشت فراسرزیمینی، جلب سرمایه‌گذاران، معرفی فرصت‌های کشت فراسرزیمینی به اشخاص و شرکت‌های علاقمند، ارائه مشاوره‌های فنی و اقتصادی برای امکان‌سنجی طرح‌های کشت فراسرزیمینی، پیگیری و هماهنگی با وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف برای تدوین و اجرایی نمودن سازوکارها و بخشنامه‌های مرتبط با بندهای مختلف آیین‌نامه، تسهیل

۱ - نتایج مطالعات انجام شده کشت فراسرزیمینی توسط موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی شامل سه جلد کتاب در این زمینه می‌باشد که در جلد (۱) ظرفیت‌های تولید محصولات کشاورزی کشورهای همسایه و طرف‌های اصلی تجاری، جلد (۲) ظرفیت‌های تولید و مبانی حقوقی کشورهای منتخب و جلد (۳) به تجارب کشورها در سرمایه‌گذاری خارجی کشاورزی پرداخته است.

صدور ماشین‌آلات و نهاده‌های مصرفی برای پروژه‌های کشت فراسرزمینی، حمایت‌های کنسولی و پیگیری اخذ روادید برای فعالان کشت فراسرزمینی، معرفی فعالان به بانک‌های عامل جهت مسائل اعتباری و بانکی و ... می‌شود. با توجه به ماهیت کشت فراسرزمینی که مستلزم فعالیت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است، تسهیل، مشاوره و راهنمایی تشکل‌های کشاورزان، شرکت‌های توانمند، تعاونی‌ها و سایر مجموعه‌های علاقه‌مند به کشت فراسرزمینی با تاکید بر مشارکت‌های استانی از اهم برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی می‌باشد. در این راستا، تاکنون برای کشاورزان استان‌های فارس، اصفهان، قزوین، خراسان جنوبی و ... با هماهنگی‌های مستمر، به کشورهای هدف اعزام و تعدادی از آنان در کشورهای هدف مستقر شده‌اند.

مشاوره و راهنمایی متقاضیان جدید برای فعالیت در عرصه کشت فراسرزمینی از برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی بوده و در این راستا تلاش شده کلیه جوانب امر برای افراد و شرکت‌های متقاضی تبیین و اطلاعات میدانی به دست آمده در خصوص کشورهای هدف، جهت بهره‌برداری در اختیار ایشان قرار گیرد. همچنین پایگاه اطلاعاتی فعالان کشت فراسرزمینی تشکیل و به منظور برنامه‌ریزی و انسجام لازم اطلاعات متقاضیان در پایگاه اطلاعاتی ثبت شده است.

علاوه بر آن در زمینه مطالعات اولیه امکان‌سنجی فنی و اقتصادی بر اساس شاخص‌های تعیین شده برای اکثر کشورهای مدنظر صورت گرفته و پس از شناسایی مناطق و اراضی مستعد، اقدامات لازم برای استقرار متقاضیان کشت فراسرزمینی در سایت‌های مختلف به عمل آمده است.

تسهیل و رفع موانع و مشکلات فعالان مستقر شده در کشورهای هدف در ارتباط با دستگاه‌های مختلف اجرایی از قبیل گمرک، سازمان توسعه تجارت، وزارت امور خارجه، حفظ نباتات، دامپزشکی، بانک مرکزی، مجوزهای صدور نهاده‌ها و ماشین‌آلات، و ... از برنامه‌ها و فعالیت‌های مستمر وزارت جهاد کشاورزی قرار دارد. هدف از این فعالیت، کمک به شرکت‌های مستقر در کشورهای هدف در اخذ پاسخ سریع، مناسب و دریافت خدمات و حمایت از دستگاه‌های اجرایی مختلف داخلی می‌باشد.

با توجه به جدید بودن فعالیت کشت فراسرزمینی، در بُعد فرامرزی اقدامات مختلفی طی چند سال اخیر انجام شده است و تاکنون حدود ۴۳۰ هزار هکتار اراضی کشورهای هدف به صورت قراردادهای اجاره درازمدت یا ملکی تحت کشت رفته است. اگرچه با توجه به ظرفیت‌های موجود در کشورهای CIS^۱ و سایر کشورهای میزبان کشت فراسرزمینی، توسعه هرچه بیشتر کشت فراسرزمینی به ویژه برای محصولات که بخش زیادی از آنها از خارج کشور به صورت واردات تامین می‌شود، دور از دسترس نیست.

به رغم تمامی اقدامات انجام شده در زمینه کشت فراسرزمینی مشکلات و تنگناهایی در این ارتباط وجود دارد. اهم مشکلات و تنگناها توسعه کشت فراسرزمینی در شرایط فعلی را می‌توان شامل تامین نقدینگی و فقدان سازوکار مناسب اجرایی نمودن خرید و انتقال محصولات تولید شده به داخل کشور و عدم تامین ارز مورد نیاز و مشکلات تبادل ارز و نیاز به تسهیلات مورد نیاز متقاضیان کشت فراسرزمینی برشمرد.

*** تشکیل زنجیره تولید کشت فراسرزمینی**

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد تنگناهای تامین ارز و تسهیلات مورد نیاز کشت فراسرزمینی از مشکلات توسعه آن می‌باشد. علاوه بر آن تامین نقدینگی برای خرید و فقدان سازوکار مناسب اجرای خرید و انتقال محصولات تولید شده به

^۱ - اتحادیه کشورهای مستقل یا کشورهای مشترک‌المنافع (به اختصار C.I.S).

داخل کشور از مشکلات جدی توسعه این حوزه است. در این ارتباط تامین نقدینگی و ارائه سازوکار مناسب اجرایی برای خرید و انتقال محصولات تولید شده کشت فراسرزمینی گام مهمی برای توسعه کشت فراسرزمینی به ویژه برای محصولات مورد نیاز کشور از جمله ذرت و دانه‌های روغنی است.

در شرایط موجود کشور، نحوه تامین منابع مالی و سازوکار پیشنهادی برای حل این مشکل بایستی کمترین وابستگی به دولت را داشته و بر استفاده و بهره‌گیری از تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و صنوف مرتبط تکیه شود. مردمی کردن اقتصاد، توسعه کارآفرینی، دانش‌بنیان کردن اقتصاد و تحقق عدالت اجتماعی از مولفه‌های اصلی دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی است. علاوه بر آن مردمی کردن اقتصاد در واقع یکی از مولفه‌های اصلی درون‌زا کردن و افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد ملی است. در اقتصاد بر پایه حضور و مشارکت مردم، تحولات اقتصادی درونی شده و آسیب‌پذیری اقتصاد ملی از تکانه‌های خارجی کاهش می‌یابد. بنابراین این مولفه موتور محرکه اطمینان تلقی شده و پیشرفت اقتصاد ملی در گرو افزایش نقش مردم و کاهش نقش دولت و بخش عمومی است.

تشکل‌ها جلوه‌ای از نقش و حضور مردم در فعالیت‌ها تلقی می‌شوند و اصولاً کشاورزی پایدار، نیازمند تشکل‌هایی است که با شور و اشتیاق و خودآگاهی، در کنار دولت، تعاونی‌ها و سایر بخش‌های خصوصی، بتوانند برای توسعه پایدار کشاورزی و مناطق روستایی گام بردارند. مهم‌ترین و اصلی‌ترین شیوه بهره‌گیری از مشارکت فعال و همه‌جانبه مردم در روند توسعه، سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد مثل تشکل‌های مردمی، انجمن‌ها و ... هستند، که به سبب فارغ بودن از بروکراسی پیچیده بخش دولتی، این امکان را فراهم ساخته تا ضمن چابک‌سازی امور با ایجاد حس تعهد عمیق در پیشبرد اهداف کارایی بالا و اثربخشی مناسب در زمینه‌های مختلف حتی موفق‌تر از بخش‌های خصوصی و دولتی عمل نمایند.

با توجه به روند فزاینده تلفیق اقتصاد کشور با بازارهای منطقه‌ای و جهانی، توانمندی و رقابت‌پذیری بخش‌های تولیدی و بازرگانی کشور روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از یک‌سو توسعه نهادی بخش‌های اقتصادی به ویژه کشاورزی موجب استفاده از مزیت‌های ناشی از این روند شده و از سوی دیگر، این امر موجب جلوگیری از آسیب به ساختارهای تولیدی کشور خواهد شد. کاهش توان رقابت‌پذیری و عدم توسعه نهادهای بازرگانی در بخش کشاورزی در شرایط گشایش روزافزون بازارها موجب از بین رفتن نظام‌های تولید داخلی به ویژه بهره‌برداران بخش کشاورزی خواهد شد.

مشارکت فعال بخش خصوصی و تشکل‌ها در چابک‌سازی و اجرای هر چه بهتر پروژه‌های اقتصاد مقاومتی بخش کشاورزی می‌تواند در قالب همکاری با تعاونی‌ها، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، به گونه‌ای موفق نمود پیدا کند.

علاوه بر آن جهت دستیابی به فرآیند اقتصادی متوازن در این زمینه، ایجاد و ارتباط مناسب بین زنجیره‌های تولید و تامین مواد و نیز زنجیره‌های فرآوری تا بازاریابی و مصرف در سطوح مختلف زمانی و مکانی راه گشاست و در این خصوص باید ارتباط نهادی بین بهره‌برداران کشاورزی و نظام صنایع تبدیلی و توزیع‌کنندگان تعیین و به درستی ایجاد شود.

بهره‌گیری از ساختارهای نهادی مانند تشکل‌های بهره‌برداران در کنار بخش‌های خصوصی و تعاونی (در صورت سازماندهی مناسب) می‌تواند در تنظیم جریان مواد و محصولات تولیدی متناسب با نیازها و تقاضای بازار به ویژه صنایع تبدیلی و تکمیلی و صادرات بسیار موثر بوده و از سوی دیگر، این ارتباط و تعامل موجب توسعه زنجیره ارزش‌افزایی و توزیع بهتر منافع مالی آن خواهد بود.

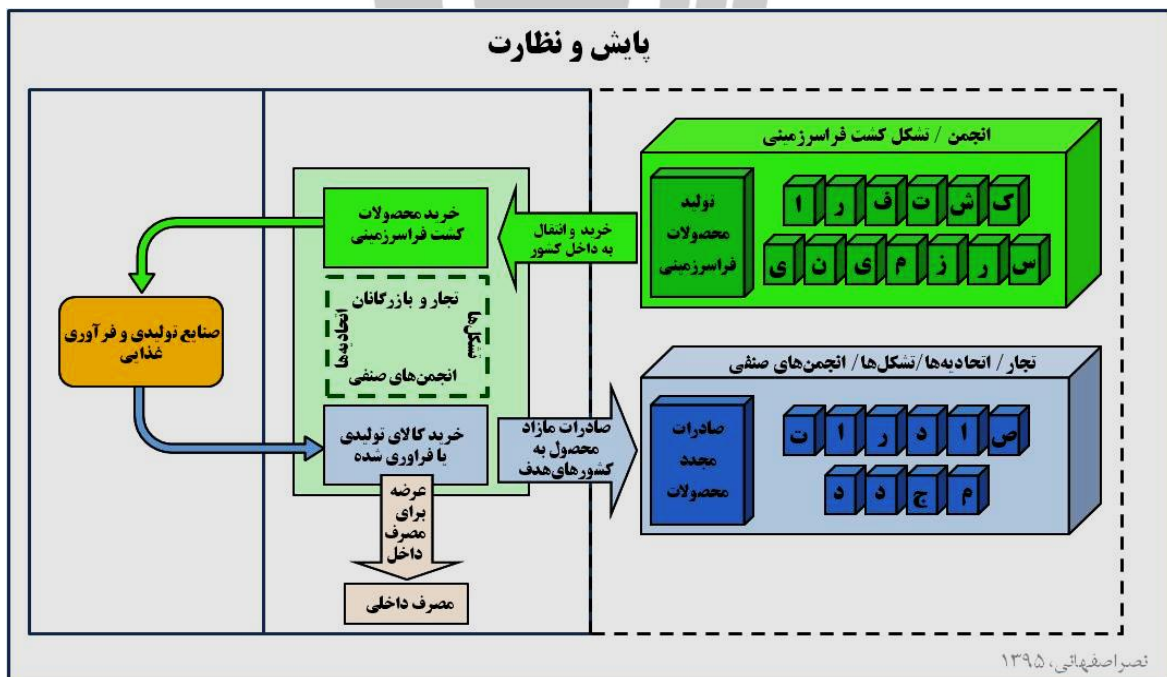
بدیهی است این رهیافت مستلزم هماهنگی بخش دولتی و خصوصی برای ایجاد یک سازوکار موثر در تحقق اهداف امنیت غذایی کشور، رونق کسب و کار و تولید داخلی و کاهش فشار بر منابع پایه سرزمینی می‌باشد. در این ارتباط تشویق

شرکت‌های خصوصی توانمند برای حضور در عرصه کشت فراسرزمینی، ایجاد سازوکار تدوین اطلاعات مورد نیاز عاملین به کشت فراسرزمینی، ایجاد سازوکار تعامل و هم‌افزایی شرکت‌های علاقمند به حضور در عرصه کشت فراسرزمینی با تجار، انجمن‌های صنفی کارخانجات و صنایع مرتبط بخش کشاورزی و تشکل‌های مردم نهاد می‌تواند، زمینه‌ساز تشکیل زنجیره کشت فراسرزمینی شود.

بند ب ذیل ماده ۲ آیین‌نامه کشت فراسرزمینی اشاره به «تعهد خرید محصولات و یا تولید قراردادی در شرایط رقابتی در مورد محصولات مورد نیازی که اولویت آنها توسط وزارت جهاد کشاورزی اعلام و در چارچوب مقادیر مصوب انجام می‌شود»، دارد. اجرای این بند می‌تواند با تشکیل زنجیره کشت فراسرزمینی که در شکل ۱ نمایش داده و کلی از آن ترسیم شده است محقق شود که می‌تواند با حضور و نقش پررنگ بخش خصوصی، تعاونی و تشکل‌ها در سرتاسر زنجیره شکل بگیرد و تبلوری از نماد «جهادی، انعطاف‌پذیری، فرصت‌سازی، مولدی، درون‌زایی، پیشرویی و برون‌گرایی» را قالب اقتصاد مقاومتی در برداشته باشد.

با تشکیل زنجیره کشت فراسرزمینی و برقراری تولید قراردادی محصولات بین شرکت‌های خصوصی توانمند متقاضی کشت فراسرزمینی از یک طرف و تجار، انجمن‌های صنفی کارخانجات، اتحادیه‌ها و تشکل‌های مرتبط از طرف دیگر، محصول تولیدی کشت فراسرزمینی توسط نهادهای ذکر شده خریداری و به داخل کشور منتقل و به صنایع و واحدهای تولیدی تحویل می‌شود. محصول تولیدی صنایع و واحدهای تولیدی یا فرآوری برای نیاز به بازار داخلی عرضه و در صورت مازاد تولید، محصول صادراتی توسط تجار، انجمن‌های صنفی کارخانجات، اتحادیه‌ها و تشکل‌های مرتبط به کشورهای هدف صادر می‌شود.

به این ترتیب با تشکیل زنجیره مذکور اهداف تامین امنیت غذایی با تکیه بر نیروهای داخلی، ایجاد فرصت‌های شغلی، رونق کسب و کار فعالیت‌های بخش کشاورزی و کاهش فشار بر منابع پایه سرزمینی محقق خواهد شد و هزینه‌های مالی دولت در این زمینه نیز کاهش یافته و نقش نظارتی و هدایتی دولت تقویت می‌شود.



شکل ۱ - نمایش کلی از زنجیره کشت فراسرزمینی

* جمع بندی

کشت فراسرزیمینی یکی از راه‌های رفع مشکل کمبود آب و زمین است یعنی هر کشوری می‌تواند برای کاشت محصولات کشاورزی، زمین‌هایی در سایر کشورها به عنوان اجاره، به کشت محصول اقدام کند و پس از برداشت، آن را به مصرف داخلی یا صادرات به کشور دیگر بپردازد. همین حالا خیلی از کشورهایی که با کمبود آب و زمین زراعی و حاصلخیز روبرو هستند به چنین اقدامی متوسل می‌شوند تا مایحتاج مردم خود را تامین کنند. هرچند هر کشوری در سرزمین خود هزینه‌های کمتری در تولید محصولات متقبل می‌شود اما اگر هزینه‌ها را در مقابل آبی که این مزارع مصرف می‌کنند محاسبه کنیم منفعت و سود کشت در داخل به صرفه نیست؛ از این رو کشت فراسرزیمینی نسخه مناسبی برای رسیدن به امنیت غذایی محسوب می‌شود. امروزه کشورهایی مانند چین و آمریکا و برخی از کشورهای غربی از چنین روشی برای کشت محصولات مورد نیاز خود در مناطق مختلف و حاصلخیز جهان مثل سرزمین‌های آفریقا بهره‌گیری می‌کنند.

کشت فراسرزیمینی عمدتاً با هدف ایجاد امنیت غذایی و تامین انرژی از طریق تولید سوخت‌های زیستی انجام می‌شود و ایران باتوجه به مشکلات مربوط به تامین آب و نداشتن زمین‌های زراعی کافی از مدتی پیش به دنبال کشت فراسرزیمینی بوده و اکنون در برخی از کشورهای آفریقایی چنین روندی را دنبال می‌کند. در زمان حاضر بخشی از محصولات کشور از طریق کشت فراسرزیمینی تامین می‌شود اما به نظر می‌رسد برای توسعه این بخش، نیازمند برنامه‌های دقیق‌تر و کاربردی‌تر هستیم تا بتوانیم سرزمین‌های بیشتری برای کشت محصولات بیشتر در اختیار داشته باشیم.

کشت فراسرزیمینی منافع مختلفی برای کشور به همراه دارد، اول اینکه می‌تواند در صرفه‌جویی خیلی از منابع آبی کشور موثر باشد و دوم اینکه محصولاتی که از راه کشت فراسرزیمینی به دست می‌آید را می‌توان به کشورهای دیگر صادر کرد یا به مصرف داخلی رساند. با این حال هرچند کشت فراسرزیمینی برای خود مزایا و منفعت‌هایی به همراه دارد اما باید سرزمین‌های حاصلخیز در داخل کشور را وسعت بخشید تا با حداکثر ظرفیت در کشت محصولات استفاده کرد. در زمان حاضر حدود ۱۶ میلیون هکتار زمین در ایران زیر کشت است که نیمی از آن کشت آبی و نیمی دیگر به صورت دیم است در حالی که براساس آمار همه زمین‌های حاصلخیز که یک سوم سرزمین‌های کشور را شامل می‌شود زیر کشت محصولات نرفته است.

کشت فراسرزیمینی هرچند نسخه مناسبی برای رونق تولید محسوب می‌شود اما با فسخ قرارداد یا هر مشکل دیگری در روابط این کشورها می‌تواند کاشت این محصولات را با چالش‌هایی روبرو کند. بخش کشاورزی ایران به بازنگری در همه سطوح کشت داخلی و حتی فراسرزیمینی نیازمند است و در این برنامه باید به طور دقیق مشخص کرد که در کشت محصولات و رسیدن به خودکفایی در هر محصولی، در کدام جایگاه قرار داریم و برای دستیابی به آن باید چه اقدام‌هایی انجام داد. کشاورزی ایران مانند سایر بخش‌ها به برنامه‌های بلندمدت، کوتاه مدت و میان مدت نیازمند است تا همه اقدام‌های این بخش براساس اصول و استانداردهای پذیرفته شده حرکت کند.

